

۲۰۴۸۸۴۳
کتابخانه ملی

تاریخچه‌ای از

فرمانروایان خراسان

از آغاز قاجار تا پایان پهلوی

محمود فاضلی میرجندی

نشر پایان
چاپ یکم: ۱۳۹۸

سرشناسه	:	فاضلی بیرجندی، محمود، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور	:	تاریخچه‌ای از فرمانروایان خراسان: از آغاز قاجار تا پایان پهلوی
/ محمود فاضلی بیرجندی.	:	
مشخصات نشر	:	تهران: پایان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۶۲۴ ص.
شابک	:	۵۷۸-۶۰۰-۵۷۴۲-۵۱-۰
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتابنامه.
یادداشت	:	نمایه.
موضوع	:	استانداران و فرمانداران -- ایران -- خراسان -- تاریخ
و‌ض‌وع	:	Governors-- Iran-- Khorasan-- History
س‌وع	:	خراسان -- سیاست و حکومت
م‌وض‌ع	:	Khorasan (Iran: Province) -- Politics and government
م‌وض‌ع	:	ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ق.
م‌وض‌ع	:	Iran -- History -- Qajars, 1779 - 1925
م‌وض‌ع	:	ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰
م‌وض‌ع	:	Iran -- History -- Pahlavi, 1925 - 1941
رده بندی کنگره	:	۲۰۱۷DSR
رده بندی دبی	:	۹۵۵/۸۲
شماره کتاب‌شناسی	:	۵۷۹۸۳۳۴

عکس جلد: نمایی از بی‌بی قاجار در مشهد که نام "ارگ" داشت و مقر حکومت خراسان بود. این بنای تاریخی مدت‌ها پیش از این تخریب شده است. با سپاس از آقای سید مهدی سید قطبی که این عکس را در اختیار نویسنده کتاب قرار داده است.

نشر پایان

تاریخچه‌ای از فرمانروایان خراسان

از آغاز قاجار تا پایان پهلوی

محمود فاضلی بیرجندی

گرافیک جلد: آریابرزن فروزان

خوشنویس عنوان کتاب: رضا رینه‌ای

ناشر: پایان، تلفن: ۰۹۱۹۴۹۴۷۶۸۸

چاپ یکم: ۱۳۹۸

چاپ و صحافی: پردیس دانش، تیراژ: ۳۰۰

www.Payanpub.com

E.mail: payan1379@yahoo.com

شابک: ۵۷۸-۶۰۰-۵۷۴۲-۵۱-۰

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

فهرست

- ۱۷ سرگذشت پیدآمدن این کتاب
- ۳۱ اجمالی از خراسان، تریف و حدود آن در دوره قاجار

سلسله قاجار

پادشاهی آقامحمدخان قاجار

- سال ۱۲۰۰ قمری / ۱۱۶۵ خورشیدی
- ۴۳ رضا خان قاجار قویونلو، حافظ نفور خراسان
- سال ۱۲۱۱ قمری / ۱۱۷۵ خورشیدی
- ۴۴ محمد ولی خان قاجار، سردار کل خراسان

پادشاهی فتح‌علی شاه قاجار

- سال ۱۲۱۱ قمری / ۱۱۷۵ خورشیدی
- ۴۹ نادر میرزا افشار
- سال ۱۲۱۷ قمری / ۱۱۸۱ خورشیدی
- ۵۱ محمد ولی میرزا قاجار
- ۱۱ رمضان ۱۲۲۸ قمری / ۱۶ شهریور ۱۱۹۲ خورشیدی
- ۵۶ اسحاق خان قرایی، والی خودخوانده
- اول شوال ۱۲۲۸ قمری / ۵ مهر ۱۱۹۲ خورشیدی

- ۵۸..... محمد ولی میرزا قاجار..... سال ۱۲۳۲ قمری / ۱۱۹۶ خورشیدی
- ۶۲..... حسن علی میرزا قاجار، شجاع السلطنه (نوبت اول)..... سال ۱۲۳۸ قمری / ۱۲۰۲ خورشیدی
- ۶۷..... علی نقی میرزا قاجار، حجت السلطان..... سال ۱۲۳۹ قمری / ۱۲۰۳ خورشیدی
- ۶۸..... حسن علی میرزا قاجار، شجاع السلطنه (نوبت دوم)..... سال ۱۲۴۳ قمری / ۱۲۰۶ خورشیدی
- ۷۱..... هلاک میرزا قاجار..... سال ۱۲۴۳ قمری / ۱۲۰۶ خورشیدی
- ۷۴..... اباقا خان قاجار، فرزند دولت..... سال ۱۲۴۳ قمری / ۱۲۰۶ خورشیدی
- ۷۵..... شاهزاده اسماعیل میرزا قاجار..... سال ۱۲۴۳ قمری / ۱۲۰۶ خورشیدی
- ۷۷..... حسین خان قاجار، سردار ایالت..... سال ۱۲۴۵ قمری / ۱۲۰۸ خورشیدی
- ۷۸..... احمد علی میرزا قاجار..... سال ۱۲۴۷ قمری / ۱۲۱۰ خورشیدی
- ۸۱..... شاهزاده عباس میرزا قاجار..... سال ۱۲۴۹ قمری / ۱۲۱۲ خورشیدی
- ۸۶..... شاهزاده محمد میرزا قاجار..... سال ۱۲۴۹ قمری / ۱۲۱۲ خورشیدی
- ۸۸..... قهرمان میرزا قاجار..... سال ۱۲۵۰ قمری / ۱۲۱۳ خورشیدی

پادشاهی محمدشاه قاجار

سال ۱۲۵۰ قمری / ۱۲۱۳ خورشیدی

الله یار خان قاجار دولو، آصف الدوله ۹۱

پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار

- سال ۱۲۶۲ قمری / ۱۲۲۴ خورشیدی
حسن خان سالار قاجار دولو ۱۰۳
- سال ۱۲۶۳ قمری / ۱۲۲۵ خورشیدی
حمزه میرزا قاجار، حشمت الدوله ۱۰۸
- سال ۱۲۶۵ قمری / ۱۲۲۸ خورشیدی
سلطان محمد میرزا قاجار، حسام السلطنه (نوبت اول) ۱۱۲
- سال ۱۲۷۱ قمری / ۱۲۳۴ خورشیدی
فریدون میرزا قاجار، شاهرخ ۱۱۷
- سال ۱۲۷۴ قمری / ۱۲۳۶ خورشیدی
سلطان مراد میرزا قاجار، حسام السلطنه (نوبت دوم) ۱۲۳
- سال ۱۲۷۵ قمری / ۱۲۳۷ خورشیدی
حمزه میرزا قاجار، حشمت الدوله (نوبت دوم) ۱۳۰
- سال ۱۲۷۷ قمری / ۱۲۳۹ خورشیدی
شاهزاده تهماسب میرزا قاجار، موبد الدوله ۱۳۳
- سال ۱۲۷۷ قمری / ۱۲۳۹ خورشیدی
محمد ناصر خان ایشیک آقاسی باشی، ظهیر الدوله، سردار خراسان ۱۳۴
- سال ۱۲۷۷ قمری / ۱۲۳۹ خورشیدی
سلطان مراد میرزا قاجار، حسام السلطنه (نوبت سوم) ۱۳۶
- ۳۰ صفر سال ۱۲۸۲ قمری / ۱۲۴۴ خورشیدی
شاهزاده سلطان حسین میرزا قاجار، جلال الدوله (نوبت اول) ۱۳۸
- سال ۱۲۸۳ قمری / ۱۲۴۵ خورشیدی
محمد میرزا دولو قاجار، سپهسالار ۱۴۰
- سال ۱۲۸۵ قمری / ۱۲۴۷ خورشیدی

- ۱۴۵..... حمزه میرزا قاجار، خشمت الدوله (نوبت دوم) سال ۱۲۸۸ قمری / ۱۲۵۰ خورشیدی
- ۱۴۶..... سلطان مراد میرزا قاجار، حسام السلطنه (نوبت چهارم) سال ۱۲۸۹ قمری / ۱۲۵۱ خورشیدی
- ۱۴۸..... حسین خان شاهسون، نظام الدوله، شهاب الملک سال ۱۲۹۲ قمری / ۱۲۵۳ خورشیدی
- ۱۴۹..... محمد ناصر خان قاجار، ظهیر الدوله سال ۱۲۹۳ قمری / ۱۲۵۵ خورشیدی
- ۱۵۲..... شاه ده محمد تقی میرزا قاجار، رکن الدوله (نوبت اول) سال ۱۲۹۸ قمری / ۱۲۶۰ خورشیدی
- ۱۵۴..... میرزا حسین خان شیرسالار، شیر الدوله سال ۱۲۹۹ قمری / ۱۲۶۱ خورشیدی
- ۱۶۰..... محمد تقی میرزا قاجار، رکن الدوله (نوبت دوم) سال ۱۳۰۰ قمری / ۱۲۶۲ خورشیدی
- ۱۶۲..... سلطان مراد میرزا قاجار، حسام السلطنه (نوبت پنجم) ۱۵ شعبان سال ۱۳۰۰ قمری / ۱۲۶۲ خورشیدی
- ۱۶۳..... محمد تقی میرزا قاجار، رکن الدوله (نوبت سوم) ۲۲ شوال سال ۱۳۰۱ قمری / ۲۵ امرداد ۱۲۶۳ خورشیدی
- ۱۶۶..... معین الدوله، نایب الایاله ۱۷ ذیقعد سال ۱۳۰۱ قمری / ۱۸ شهریور ۱۲۶۳ خورشیدی
- ۱۶۷..... میرزا عبدالوهاب خان شیرازی، آصف الدوله سال ۱۳۰۳ قمری / ۱۲۶۴ خورشیدی
- ۱۹۶..... مفتاح الملک، نایب الحکومه سال ۱۳۰۳ قمری / ۱۲۶۴ خورشیدی
- ۱۹۷..... محمود خان قره گوزلو، ناصر الملک، فرمانفرما محرم سال ۱۳۰۵ قمری / مهر ۱۲۶۶ خورشیدی
- ۱۹۹..... معین الدوله، نایب الایاله

- ذیحجه سال ۱۳۰۵ قمری / شهریور ۱۲۶۶ خورشیدی
 ۲۰۰ محمد تقی میرزا قاجار، رکن الدوله (نوبت چهارم)
 ۵ شعبان ۱۳۰۸ قمری / ۲۵ اسفند ۱۲۶۹ خورشیدی
 ۲۰۳ میرزا فتحعلی خان شیرازی، صاحب دیوان
 سال ۱۳۱۰ قمری / ۱۲۷۱ خورشیدی
 ۲۰۸ ابوالفتح میرزا قاجار، مویدالدوله
 محرم سال ۱۳۱۳ قمری / تیر ۱۲۷۴ خورشیدی
 ۲۱۲ شاهزاده ناصرالدین میرزا قاجار، سالارالسلطنه
 صفر ۱۳۱۳ قمری / امرداد ۱۲۷۴ خورشیدی
 ۲۱۵ صدرالممالک، نیابت السلاطین

پادشاهی مظفرالدین ساد قاجار

- ۵ محرم ۱۳۱۳ قمری / ۷ تیر ۱۲۷۴ خورشیدی
 ۲۱۹ غلامرضا خان شاهسون، شهابالملک، آصف الدوله (نوبت اول)
 ذیحجه ۱۳۱۴ قمری / ۱۲۷۵ خورشیدی
 ۲۲۳ حسن خان ممتازالملک
 ۱۷ ذیحجه ۱۳۱۴ قمری / ۱۲۷۵ خورشیدی
 ۲۲۴ محمد تقی میرزا قاجار، رکن الدوله (نوبت پنجم)
 شوال ۱۳۱۸ قمری / ۱۲۷۹ خورشیدی
 ۲۲۷ شاهزاده سلطان حسین میرزا قاجار، نیرالدوله (نوبت اول)
 ۱۴ صفر ۱۳۲۱ قمری / ۲۱ اردیبهشت ۱۲۸۲ خورشیدی
 ۲۳۵ شاهزاده مهدی قلی میرزا قاجار، سهامالملک
 ۱۴ صفر ۱۳۲۱ قمری / ۲۱ اردیبهشت ۱۲۸۲ خورشیدی
 ۲۳۶ علی نقی میرزا قاجار، رکن الدوله (نوبت اول)
 ۱۱ ذیحجه ۱۳۲۲ قمری / ۲۷ بهمن ۱۲۸۳ خورشیدی
 ۲۳۹ نجدالسلطنه، نیابت حکومت

۱۳ صفر ۱۳۳۳ قمری / ۹ اردیبهشت ۱۲۸۳ خورشیدی

۲۴۰..... غلامرضا خان شاهسون، آصفالدوله (نوبت دوم)

پادشاهی محمد علی شاه قاجار

سال ۱۳۲۵ قمری / ۱۲۸۶ خورشیدی

۲۴۴..... علی نقی میرزا قاجار، رکنالدوله (نوبت دوم)

سال ۱۳۲۶ قمری / ۱۲۸۷ خورشیدی

۲۴۵..... غلام حسین خان غفاری، صاحب اختیار (نوبت اول)

صفر ۱۳۲۷ قمری / ۱۲۸۸ خورشیدی

۲۴۷..... شاه اده سلطان حسین میرزا قاجار، نیرالدوله (نوبت دوم)

۱۳۲۷ قمری / ۱۲۸۹ خورشیدی

۲۴۹..... شاهزاده منتصرالامان، کفیل حکومت

ربیع الاول ۱۳۲۷ قمری / مرداد ۱۲۹۰ خورشیدی

۲۵۰..... علی نقی میرزا قاجار، رکنالدوله (نوبت دوم)

پادشاهی احمد شاه قاجار

صفر ۱۳۲۸ قمری / اسفند ۱۲۸۸ خورشیدی

۲۵۳..... غلامرضا خان شاهسون، آصفالدوله (نوبت سوم)

سال ۱۳۲۸ قمری / ۱۲۸۹ خورشیدی

۲۵۶..... علی نقی میرزا قاجار، رکنالدوله (نوبت چهارم)

شوال ۱۳۲۸ قمری / آبان ۱۲۸۹ خورشیدی

۲۶۲..... ظهیرالسلطان، کفیل ایالت

ذیحجه ۱۳۲۸ قمری / آذر ۱۲۸۹ خورشیدی

۲۶۳..... غلام حسین خان غفاری، صاحب اختیار (نوبت دوم)

سال ۱۳۲۹ قمری / ۱۲۹۰ خورشیدی

۲۶۴..... شاهزاده سلطان حسین میرزا قاجار، نیرالدوله (نوبت سوم)

سال ۱۳۲۹ قمری / ۱۲۹۰ خورشیدی

۲۶۷..... کفیل حکومت

- سال ۱۳۲۹ قمری / ۱۲۹۰ خورشیدی
شاهزاده علی نقی میرزا قاجار، رکن الدوله (نوبت پنجم)..... ۲۶۸
- سال ۱۳۳۰ قمری / ۱۲۹۱ خورشیدی
شاهزاده سلطان حسین میرزا قاجار، نیرالدوله (نوبت چهارم)..... ۲۷۰
- سال ۱۳۳۵ قمری / ۱۲۹۶ خورشیدی
شاهزاده ناصرالدین میرزا قاجار..... ۲۷۱
- سال ۱۳۳۵ قمری / ۱۲۹۶ خورشیدی
شاهزاده کاظم میرزا قاجار، نایب السلطنه..... ۲۷۲
- سال ۱۳۳۵ قمری / ۱۲۹۶ خورشیدی
حاج مرتضی میرزا شکوه قهرمان، (برگمارده دموکراتهای خراسان)..... ۲۷۵
- سال ۱۳۳۵ قمری / ۱۲۹۶ خورشیدی
شاهزاده سلطان حسین میرزا قاجار، نیرالدوله (نوبت پنجم)..... ۲۷۷
- ۱۰ بهمن ۱۲۹۶ خورشیدی
میرزا احمد خان قوام، قوام السلطنه..... ۲۷۹
- ۱۴ فروردین ۱۳۰۰ خورشیدی
کنل محمد تقی خان پسیان، کفیل انتظامات خراسان..... ۲۹۹
- ۲۶ اردیبهشت ۱۳۰۰ خورشیدی
میرزا حسین خان دادگر، عدل الملک..... ۳۰۸
- ۱۱ خرداد ۱۳۰۰ خورشیدی
حاج شیخ جعفر کشمیری، نجل السلطنه..... ۳۱۰
- ۸ امرداد ۱۳۰۰
نجف قلی خان بختیاری، صمصام السلطنه..... ۳۱۶
- ۷ آبان ۱۳۰۰
رضا قلی خان مافی، نظام السلطنه..... ۳۲۰
- آذر ۱۳۰۱ خورشیدی
میرزا مرتضی قلی خان طباطبایی نایینی، کفیل حکومت..... ۳۳۱
- ۱۴ فروردین ۱۳۰۲ خورشیدی

۳۳۳.....جعفر قلی خان بختیاری، سردار اسعد

۲۰ نور (اردیبهشت) ۱۳۰۳ خورشیدی

۳۴۴.....منتظم الدوله، کفیل ایالت خراسان

سوم خرداد ۱۳۰۳ خورشیدی

۳۴۶.....بدیع الملک میرزا، حشمت السلطنه

سال ۱۳۰۳ خورشیدی

۳۴۸.....ارنفتح میرزا طباطبایی، حشمت الدوله والایبار

امرداد سال ۱۳۰۴ خورشیدی

۳۵۴.....نایب سرهنگ مرتضی مکرری، کفیل ایالت

۲۴ مهر ۱۳۰۴ خورشیدی

۳۵۸.....شاهزاده غلامرضا، میرزا دولت علی قاجار، مجلل الدوله

سلسله پهلوی

پادشاهی رضاشاه پهلوی

سال ۱۳۰۴ خورشیدی

۳۶۵.....نایب سرهنگ مرتضی مکرری، کفیل ایالت

سال ۱۳۰۵ خورشیدی

۳۶۶.....منتظم الدوله، کفیل ایالت

۲۸ اردیبهشت ۱۳۰۵

۳۶۷.....مهدی دادور، وثوق السلطنه

۱۵ فروردین ۱۳۰۶ خورشیدی

۳۷۱.....علی محمد بنی آدم، شریف الدوله

مهر سال ۱۳۰۶ خورشیدی

۳۷۷.....حسن خان رئیس، ظهیرالملک

۱۵ فروردین ۱۳۰۷ خورشیدی

۳۸۲.....میرزا محمود خان جم، مدیرالملک (نوبت اول)

۲۹ دی ۱۳۰۷ خورشیدی

۳۸۵.....حسن تقی زاده.....

تیر سال ۱۳۰۸ خورشیدی

۳۹۴.....محمد ولی خان اسدی، کفیل ایالت خراسان.....

۲ شهریور ۱۳۰۸ خورشیدی

۳۹۵.....میرزا محمود خان جم، مدیرالملک (نوبت دوم).....

۲۵ شهریور ۱۳۱۲ خورشیدی

۴۰۰.....محمد ولی خان اسدی، کفالت ایالت.....

۱۶ مهر ۱۳۱۱ خورشیدی

۴۰۱.....میر معصوم خانی، کفالت ایالت.....

۲۷ آبان ۱۳۱۲ خورشیدی

۴۰۲.....مهدی قلی خان هدایت، مخبر السلطه.....

۶ دی ۱۳۱۲ خورشیدی

۴۰۳.....فرج الله خان بهرامی.....

مهر ۱۳۱۳ خورشیدی

۴۰۶.....میر معصوم خانی، کفالت ایالت.....

۸ آبان ۱۳۱۳ خورشیدی

۴۰۸.....میرزا فتح الله خان پاکروان.....

پادشاهی محمدرضا شاه پهلوی

۱۱ دی ۱۳۲۰ خورشیدی

۴۲۳.....رکنی، کفیل استانداری.....

۱۱ دی ۱۳۲۰ خورشیدی

۴۲۴.....رجبعلی منصور، منصورالملک.....

۶ مهر ۱۳۲۴ خورشیدی

۴۳۷.....محمود فرخ.....

۳۰ آبان ۱۳۲۴ خورشیدی

- ۴۳۸..... حسین سمیعی، ادیب السلطنه..... خورشیدی
۲۱ آذر ۱۳۳۴
- ۴۳۹..... ناصر اعتمادی، نصرالدوله..... خورشیدی
۵ پنج امرداد ۱۳۳۵
- ۴۴۱..... غلام حسین اشرفی..... خورشیدی
۲۶ اسفند ۱۳۳۶
- ۴۴۳..... علی اکبر اسدی، سرپرست استانداری..... خورشیدی
۱۸ فروردین ۱۳۳۷
- ۴۴۴..... عباد قلی ۴ مایان..... خورشیدی
۱۰ مهر ۱۳۳۷
- ۴۵۵..... علی اکبر اسدی، سرپرست استانداری..... خورشیدی
۲۵ آذر ۱۳۳۷
- ۴۵۸..... سرتیپ مهین، سرپرست استانداری..... خورشیدی
۱۴ دی ۱۳۳۷
- ۴۵۹..... علی اکبر اسدی، کفیل استانداری..... خورشیدی
نهم بهمن ۱۳۳۷
- ۴۶۰..... محسن صدر، صدرا لاشراف..... خورشیدی
۱۹ خرداد ۱۳۳۰
- ۴۷۶..... سید جلال الدین تهرانی (نوبت اول)،..... خورشیدی
۳۰ شهریور ۱۳۳۰
- ۴۷۹..... دکتر محمد سجادی..... خورشیدی
۸ اسفند ۱۳۳۰
- ۴۸۳..... مصطفی قلی رام، انتخاب الملک..... خورشیدی
۸ سال ۱۳۳۱
- ۴۸۵..... میرزا حشمت الله خان قضایی..... خورشیدی
۸ سال ۱۳۳۱
- ۴۸۷..... احمد امامی.....

- امرداد ۱۳۳۲ خورشیدی
 ۴۹۱..... سرتیپ علی اکبر سیف افشار، سیف السلطنه
- چهارم امرداد ۱۳۳۵
 ۴۹۳..... مهدی فرخ، معتصم السلطنه
- ۲۲ شهریور ۱۳۳۵ خورشیدی
 ۵۰۰..... رضا نور، کفیل استانداری
- ۲۹ شهریور ۱۳۳۵ خورشیدی
 ۵۰۱..... رضا جعفری
- امرداد ۱۰۶۸ خه یزدی
 ۵۰۴..... محمد ذوالفقاری
- ۲۶ امرداد ۱۳۳۸ خورشیدی
 ۵۰۵..... محمد دادور
- ۱۸ خرداد ۱۳۴۰ خورشیدی
 ۵۰۷..... حجت، کفیل استانداری
- ۱۵ خرداد ۱۳۴۰ خورشیدی
 ۵۰۸..... دکتر شمس‌الدین جزایری
- ۳۰ مهر ۱۳۴۰ خورشیدی
 ۵۱۲..... حجت، کفیل استانداری
- اول بهمن ۱۳۴۰ خورشیدی
 ۵۱۳..... سید جلال‌الدین تهرانی (نوبت دوم)
- ۲۱ فروردین ۱۳۴۲ خورشیدی
 ۵۲۰..... ضرابی، کفیل استانداری
- ۳۰ فروردین ۱۳۴۲ خورشیدی
 ۵۲۱..... سپهبد صادق امیر عزیزی (نوبت اول)
- ۱۰ مهر ۱۳۴۴ خورشیدی
 ۵۲۶..... سپهبد نادر باتمانقلیچ
- اول خرداد ۱۳۴۶ خورشیدی

۵۳۲..... باقر پیرنیا

۲۵ شهریور ۱۳۵۰ خورشیدی

۵۴۷..... حسن زاهدی

۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۳ خورشیدی

۵۵۱..... دکتر عبدالعظیم ولیان

۷ شهریور ۱۳۵۷ خورشیدی

۵۷۵..... رضا معینی، سرپرست استانداری

۸ شهریور ۱۳۵۷ خورشیدی

۵۷۶..... محمد حسن سراج حجازی

۲۱ آبان ۱۳۵۰ خورشیدی

۵۷۸..... سپهبد صادق امیرنریزی (بریت دوم)

۵۸۳..... دوره سه ماه و نیم بریت تا آبان کومت پهلوی

پیوست

۱۷ اسفند ۱۳۵۷ خورشیدی

۵۸۷..... طاهر احمدزاده

۵۸۹..... منابع و مأخذ

۵۹۹..... اعلام

سرگذشت پدید آمدن این کتاب

منابع و مآخذ در حوزه تاریخ خراسان کم نیست. این نگارنده که بنا به تعلق نسبی به خراسان سیانی را به بررسی جوانب احوال این سرزمین و مردم گذرانده از مدت‌ها بدین مأموریت در پیافته بود که تهیه کتابی در باره حاکمان و والیان خراسان یکی از نیازهای مطالعات و آگاهی تاریخی در باره این سرزمین است. پس خود بر آن شده بود تا با استفاده‌هایی در این باره گرد آورد. یادداشت‌ها از دوره‌های کهن آغاز می‌شد و به تفاریق از هر گوشه و کنار تاریخ را در بر می‌گرفت. تا آن که بررسی در سال ۱۳۹۰ در ضمن جست‌وجوهای خود به کتابی برخورد که عنوان آن «*اخبار ولای خراسان*»^۱ بود. دیدن کتابی با این موضوع گویی باری گران را در دهن نگارنده برداشت. «*اخبار ولای خراسان*» نام‌ها و برخی از مشخصات والیان این سرزمین را از صدر اسلام تا سال ۳۵۰ قمری/ ۳۴۰ خورشیدی ثبت کرده دارد. نگارنده پس از اطلاع از کار مولف «*اخبار ولای خراسان*» از تنظیم بخشی از یادداشت‌ها که دوره باستان را در بر می‌گرفت چشم پوشید و بر آن شد تا کار خود را به دوره‌ای محدود کند که از سال ۳۵۰ قمری آغاز شده و به روزگار

۱. با این مشخصات: *اخبار ولای خراسان*. اسلامی. پژوهش و بازسازی محمد علی کاظم بیگی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب. ج اول. ۱۳۹۰.

ما برسد. سالی چند همچنان به گردآوردن یادداشت‌ها در این باره سپری شد. اما به تدریج معلوم شد که دامنه هزار ساله این کار چندان است که دشوار بتوان یک‌تنه از عهده حتی گردآوردن اسامی والیان این دوره برآمد. دوره هزار ساله مورد نظر پر است از تحول و تلاطم و ستیز و آویز و حمله داخلی و خارجی، تا چندان که نگارنده در بعضی از دوره‌ها اصلاً خراسان را در تاریخ گم می‌کرد تا چه رسد که والی این ولایت را معلوم کند. کم‌کم معلوم می‌شد که تهیه چنان فهرستی اگر نگویید نشدنی، دست کم کاری بسیار دور از توه و وقت یک تن است. پس نگارنده برای این که نفسی کار شده، گرد مدت زمان مورد نظر را کوتاه کرد. آغاز این کتاب را آغاز دوره قاجار گرفت و پایانش را پایان دوره پهلوی، که مدت آن ۱۹۲ سال است. حدود زمان بر این کتاب بدین ترتیب و با پیمودن این مراحل شکل گرفت.

اما در باره مدت ۱۹۲ سال مورد نظر در این کتاب گفتنی است که یک سر این مدت وصل به دوره‌ای است که به قول دکتر عبدالحسین زرین‌کوب «دوره وحشت»^۱ است. دوره بین فرو افتادن صفویان تا آغاز قاجاران. وقتی وارد دوره قاجار شویم هم هنوز تا دو سه دهه گردوخاک آن دوره وحشت فرو نمی‌نشیند و منظره تاریخ درست دیده نمی‌شود. حکومت قاجارها از جنوب غربی ایران به جانب شمال پایه گرفت و پس از دیگر صفحات کشور دامن گسترده. دیدن خراسان در برهه نخست از سلسله قاجار هم دشوار است. از بس که این سامان در اختلاف و جنگ و تاخت و تار آشوب داخلی و مداخله و دست‌اندازی بیگانگان فرو رفته است. گویی تار و پود این سرزمین را که محل برآمدن خورشید است در تاریکی جنگ‌ها و حمله‌ها و کشتارها بافته‌اند. وقتی تاریخ آن دوره وحشت را از نظر می‌گذرانی تا به دوره قاجارها برسی، و البته در بعضی برهه‌ها از دوره حکومت قاجاران نیز؛ هر دم صدای

۱. عنوان فصلی از کتاب «روزگاران» که ربط به همین دوره دارد.

انوری را می‌شنوی که آن قصیده دردمند و پر سوز جگر را می‌سراید:

بر سمرقند اگر بگذری ای باد سحر نامه اهل خراسان به بر خاقان بر
نامه‌ای مطلع آن رنج تن و آفت جان نامه‌ای مقطع آن درد دل و سوز جگر

تا بدان جا که می‌گوید:

شاد، الا به درِ مرگ نبینی مردم بگر، جز در شکم مام نیابی دختر^۱

آنچه را این کتاب فراهم آمده حاصل جست‌وجو در دل همان گردها و غبارهای تاریخ خراسان است. عیار و معیار هر آنچه در باره اشخاص آورده شده نزدیکی دور آنان به منافع و حدود ملی، جغرافیایی و فرهنگی ایران بوده است.

بد نیست که توضیح کوتاهی در باره حدود خراسان داده شود. سرزمین خراسان از روزگاران دیرین به همین نام بوده، اگر چند حدود آن کم یا زیاد شده است. گاه از شرق مجاور مرز چین بوده و از غرب با ملک ری هم‌مرز بوده است. در روزگاری چون روزگار ما پیکره باقی‌مانده از خراسان تاریخی را به ناروا سه پاره کرده‌اند و ندانسته‌اند که با این کار، کارد بر پیکر هویتی تاریخی زده‌اند. کاری که ستمی بر تمامیت ارضی ایران و موجودیت تاریخی شرق کشور کرد.

امروز از دوره تولید دولت‌های پوشالی که بنا به نیاز و مصالح دولت انگلستان به گرداگرد شمال شبه قاره هند برپا گردید دور شده‌ام. در عصر دیگری از روابط میان دولت‌ها و سیاست بین‌الملل به سر می‌بریم که پاره کردن موجودیت‌های جغرافیایی و هویت‌هایی تاریخی اگر هم به گمان زودباوران، موجب تقویت دستگاه اداری محلی باشد، همراهی ندانسته با

۱. قصیده‌ای که انوری «از زبان خراسان به حضرت خاقان سمرقند» سروده است. بنگرید به دیوان انوری. ص ۱۰۵ تا ۱۰۸.

سیاست‌هایی است که بر دنیای ما اعمال می‌شود و خطوطی از آن را توان از کوشش‌های دولت‌های فائقه دریافت که معطوف به پاره کردن موجودیت‌های بزرگ جغرافیایی سیاسی است. این کار با تجزیه یوگسلاوی، چکسلواکی، و اتحاد جماهیر شوروی نمودار شد و دلیلی در دست نیست که اجرای آن به پایان رسیده باشد. هم‌میهنی که خود را درگیر دعوا با هم‌میهنی دیگر بر سر مرزبندی استان و شهرستان و بخش، کرده باید موجودیت ملی و هم موجودیت تاریخی و فرهنگی خود را فراموش کرده باشد. حوزی‌گری ما و همراهی برخی از ما با این مرزبندی‌ها در عصری سر زد که اروپایان پا به آزمودن طرحی نهاده‌اند که در آن هویت‌های محلی و ملی خود را در هویت بزرگ و یکپارچه اروپای واحد ادغام کنند. در چنین عصری میدان دادن به تجزیه‌هایی که استان‌های جدید و شهرهای جدید بدون پایه و هویت تاریخی و حتی بدون پشتوانه قانونی را، به قیمت پاره کردن هویت‌های بزرگ تاریخی، تشکیل می‌دهد چیزی بیش از غفلت از مسایل اصلی و تولید بازیچه‌یی برای سرگرمی عامه مردم نیست. دامن این سخن پر از دریغ و درد را هم به هم می‌جای می‌بندیم که نیز از موضوع کار خود جدا نیفتیم.

معلوم این نگارنده نشده که نام خراسان از چه زمانی بر این خطه نهاده شده و چه کسی یا مردمی این سرزمین را بدین نام نهاده‌اند. خراسان لفظی به فارسی کهن و در معنا، محل برآمدن خورشید است. پسند جای شاه‌نامه فردوسی و نیز کامل ابن اثیر، و شاید منابعی دیگر که نگارنده ندیده، نام شخص است. در میان کشورهای همجوار ما، شاید فقط در جغرافیای ترکیه، همنام یا مشابهی دارد و آن استان آناتولی^۱ است که در ترکیه هم استان خاوری آن کشور و جای برآمدن خورشید است. با این فرق که نام آناتولی را

۱. آناتولی یا آنادولو، به معنای «جای برآمدن خورشید» است. این نام را یونانیان بر آسیای صغیر نهاده‌اند. دایره‌المعارف فارسی، ج ۱. مدخل آسیای صغیر.

یونانیان بر آن ایالت نهاده‌اند و کلمه‌ای است که از زبان و گفتار مردم همان محل برنروییده است.



در این کتاب والیان و استانداران خراسان در دوره‌ای فهرست شده‌اند که از حدود آغاز حکمرانی آقا محمد خان قاجار در سال ۱۲۰۰ قمری/ ۱۱۶۵ خورشیدی آغاز شده و به سال پایان سلسله پهلوی، ۱۳۵۷ خورشیدی، پایان می‌یابد. خراسان در این ۱۹۲ سال، همچون سراسر تاریخ ایران یکی از ولایت‌های امن و تابع دولت مرکزی بوده است. استثنا در تاریخ، فقط دوره سلسله اشعار بوده که خراسان خود مقرر پایتخت ایران شد. نیز خراسان در این دوره ۱۹۲ ساله چند بار محل داعیه جداسری از خاک میهن شده که گزارش‌هایی از آن در این کتاب بیاید.

خراسان بسیار رخدادها را از سر گذرانده است، اما محوریت و مرکزیت سیاسی آن هم همواره شهر مشهد بوده و این مرکزیت جا عوض نکرده است. مگر از آغاز دهه ۱۳۸۰ خورشیدی که باقی‌مانده خراسان بزرگ سه پاره شد و دارای سه مرکز حکومتی گردید.

تا پیش از این تقسیم و تجزیه، شاید فقط یک بار مقدمه‌ای بالقوه برای تغییر مرکزیت حکومتی خراسان از مشهد شکل گرفته و آن وقتی بود که رضا شاه طرح ساختن شهر جدید فریمان را در سال ۱۳۰۳ به شدت و قوت در پی اجرای آن برآمد. او در سر داشت که مرکزیت اصلی حکومتی را از مشهد به شهر جدید ببرد و مشهد را به زیارتگاه آن واگذارد. این خیال با سقوط او دیگر برآورده نشد و مشهد همچنان مرکز سیاسی، اداری و نیز دینی ماند. گزارشی در این باره هم در کتاب آمده است.

مشهد، نام مکان است و عطف به محل شهادت امام هشتم شیعیان در سال ۲۰۳ قمری/ ۱۹۷ خورشیدی است. نام این محل تا بدان روز سناباد، و باز پیش از سناباد، توس بوده است. چندی پس از وفات امام هشتم شیعیان در قریه سناباد، مامون خلیفه عباسی هم همان جا درگذشت و در جوار خاک امام

به خاک سپرده شد. هنوز هم صورت قبر خلیفه عباسی در کنار صورت مزار امام شیعیان برجاست. شیعیان در گذر زمان بنای زیارتگاهی بر مزار امام هشتم خود ساختند. آن بنا در حوادث سال ۵۱۰ قمری/ ۴۹۵ خورشیدی از بین رفت. در آن سال در شهر توس اختلافی بین مردی از شیعیان با فقیه‌ای از اهل سنت افتاد. اختلاف از محضر فقیه بیرون کشیده شد. اهل سنت که اکثریت داشتند بر شیعیان که اقلیت بودند تاختند و زیارتگاه امام آنان را که در سناباد بود خراب کردند و هر کس را که در زیارتگاه بود هم کشتند. گزارش ابن اثیر دل بر آن است که در آن آشوب سرتاسر شهر ویران شد. نگارنده به اصل عربی تاریخ ابن اثیر نگریسته و نمی‌داند که او در گزارش ویرانی‌ها نامی از ویرانی بزرگ رسوخ نبرده یا شاید مترجم فارسی^۱ مصلحت‌اندیشی کرده و از نقل خبر به کارسج چشم پوشیده است.

نام مشهد خصر عامر ۱۹ ساله اخیر، بنا به آن که پشت به قدرت حکومتی داشته، به مرور از اسم که نام و نشانی جغرافیایی باشد تبدیل به درجه‌ای از اعتقاد در شیعه‌گری شده است. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه گزارشی از مهاجرت ساکنان توس به مشهد را به روزگار نادرشاهی ثبت کرده^۲ که مبین دوام رونق توس در همان روزگار است. اما امروزه مشهد بر همه توابع خود استیلا یافته و نقاط پیرامون آن آثار این شهر شده است.

در باره منابع و اشخاص

نگارنده پس از تتبع‌ها و جست‌وجوهای که به قدر بضاعت خود در کتاب‌ها و کتاب‌خانه‌ها و نیز در خلال گفت‌وگوهای با عده‌ای از اشخاص کرده به این رسیده است که مندرجات بعضی از کتاب‌ها و مآخذ، و البته سخن بعضی از

۱. کامل ابن اثیر، ج ۱۹، ص ۲۰۶ و ۲۰۷. نسخه‌ای از «کامل» که محل رجوع بود ترجمه ابوالقاسم پاینده است و این تردید از جایی است که آقای پاینده، تاریخ طبری را هم به فارسی درآورده‌اند و ترجمه ایشان چنان است که هر چه و هر جا را خود خواسته‌اند از کتاب اصلی به فارسی گردانیده‌اند. ۲. چون نگارنده در موقع نگارش این بخش کتاب نسخه چاپی «مطلع‌الشمس» را به دست نیاورد، مطلب را به نقل از کتاب بارتولد؛ «تذکره جغرافیای تاریخی ایران»، به این جا آورد.

اشخاص به صراحت غرض آلود است. نگارنده فقط به استخراج نام‌های والیان و استانداران و نقل احوال آنان به یادداشت‌های خود اشتغال داشته و بر آن کوشیده تا خود را از ادامه غرض‌ها دور بدارد. بعضی از اشخاص که نام ایشان در این کتاب آمده با شاخه‌هایی از لژهای فراماسونری پیوند داشته‌اند. نگارنده ضمن تحقیق، بعضی کتاب‌هایی را دیده که قلم به دستان تندرو و مخصوصاً چپ‌های آرمان‌خواه در باره احوال اشخاص نوشته‌اند و در آن تا توانسته‌اند زیر عنوان عضویت اشخاص در لژهای فراماسونری یا زیر عنوان مزدوری و حقوق‌بگاری، گنگان بر آنان تاخته‌اند. نگارنده این قبیل ادعاها را به این کتاب راه داده است. زیرا این ادعاها و انگ‌ها در محیط اجتماعی ما بیشتر برای تخریب وجهه اشخاص انتشار داده شده و می‌شود و دیده‌ایم که چیزی را از حقیقتی بر لایق کرده است. حاصل این افشاگری‌ها چنان که دیده شده افزودن بر کین‌توزی‌ها و تفرقه در میان مردمی است که باید همدل و همنوا باشند. چرا باید همچنان در بن‌بخم‌ها که فرصت‌هایی را که ممکن بود صرف ترقی ما شود در زدوخورد و کشاکش با همدیگر از کف داده‌ایم!

این کتاب می‌خواهد که والیان خراسان، اعمالی کند و تا حد مقدور به کارهای آنان در دوره تصدی این منصب‌های بیزدازد. برشمردن کارها گاه ملازم نقل رویدادها می‌شود تا چند و چون کاری به آن گزارش شود. در این چنین موارد شمه‌ای از برخی رویدادها بازگفته شده است. اما اگر رویدادی در این کتاب چندان مورد اعتنا واقع نشده، رویدادی با تفصیل بیان شده، یا از نقل رویدادی صرف‌نظر شده همه به خاطر ربط داشتن یا نداشتن به کارنامه والی آن دوره بوده است.

مساله دیگر، خصوصاً در گزارش از کار و کردار اشخاص آن است که عیار نگارنده و عیار این کتاب برای بیان عمل‌ها و کسان فقط دوستی یا دشمنی با ایران است؛ که عیاری است جامع و روشن.

کار تاریخ‌نگاری مخصوصاً آن گاه که بنا بر استخراج اسامی والیان یک استان و نیز ثبت روز یا ماه و سال نصب کسی به حکومت یا استعفای او از

حکومت باشد بارها دشوارتر می‌شود. نام‌های والیان در منابع یکی نیست تاریخ‌های نصب یا استعفا و عزل یکی نیست. بدین منظور این نگارنده جست‌وجوهایی برای تطبیق اسامی و نیز تاریخ‌ها کرده است. گزارش‌های زندگی اشخاص هم هر چه مربوط به گذشته دورتر باشد همسان‌تر می‌شود علت آن است که در این مملکت از دیروز تا امروز کمتر کسی در پی ثبت احوال روزگار بوده و هر گاه کسی دست به قلم شده و گزارشی را در احوال شخصی یا وصف رویدادی نوشته سپس همه به هموارجاع داده‌اند. زیرا جز آن سببی نداشته است.

یادمان از حمزه اصفهانی، صاحب «سنی ملوک الارض والانبیا» مناسب است که باید تمها مریخی است که وسواسی در ثبت تاریخ‌ها و خصوصاً قید فاصله میان آنها به خرج داده است. حمزه می‌نویسد: سنوات تاریخی پادشاهان ایران بسیار فغوش و نادرست است. زیرا از زبانی به زبان دیگر و از خطی به خطی دیر نقل داده است. علاوه بر آن بیشتر سنوات تاریخی هم مغشوش و نادرست است. زیرا قومی سالیان و روزگاران زندگی می‌کنند و چون تاریخ آنان را از کتابی به کتاب دیگر یا از زبانی به زبان دیگر نقل می‌کنند افزایش یا کاهش و غلط روی می‌آید^۱ او در فصل دوم از باب ده کتاب خود اخبار تولد، طول عمر، و هجرت پیام را به نقل از منابع مختلف آورده تا نشان دهد که منابع و مورخان به وفای ثبت رویدادی چنین هم یکدست نوشته‌اند.^۲

غرض از استناد به حمزه اصفهانی آن است تا ساختار تاریخننگاری را مخصوصاً در ثبت زمان وقوع رخدادها یادآور شود و متذکر شود که برای ثبت تواریخ در کتاب حاضر دقتی را که ممکن بوده به عمل آورده و به علاوه منابع را با یکدیگر مطابقت داده است. با این همه، باز هم نمی‌تواند ادعا کند که صورت نام‌های استانداران و تاریخ‌های مربوط به آنان، از تولد تا نصب و

۱. سنی ملوک الارض والانبیا، ص ۷ و ۸.

۲. سنی ملوک الارض والانبیا، ص ۱۵۵ تا ۱۵۸.

عزل و جز آن، قطعی است و خطایی بدان راه ندارد. وجه متمایز کتاب حاضر همان است که فهرستی را از والیان با تاریخ آغاز و پایان تصدی آنان در یک جا گرد آورده است.

پیشینه

تنها کتاب مخصوص به معرفی استانداران خراسان «وقایع خاور ایران» نوشته علی میرزا است. آقای میرزا خود از کارکنان استانداری خراسان بوده که در برهه‌های منتهی هم داشته و کتابش را بر پایه مشاهدات و خاطرات خود نوشته است. به این جهت مشتمل است بر بیان اسامی استانداران و برخی از رخدادهای خراسان و ایران در هر دوره. این کتاب به استناد حافظه نوشته شده و ارجح آن در گردآوری نام‌های بعضی از استانداران است.

این نگارنده، جز همان، کتابی ندیده که معرفی یا فهرست اسامی والیان خراسان باشد. اگر هم چنین کتابی انتشار یافته، نتوانسته بدان دست یابد. در بعضی منابع قدیم، بخشی به والیان خراسان اختصاص داده شده که «بلدان» نوشته ابن واضح یعقوبی، و «تاریخ اخبار»، نوشته ابن ضحاک گردیزی از آن جمله است.

در سال‌های اخیر روزنامه دنیای اقتصاد، چاپ تهران، رشته مقالاتی را با عنوان «ستانداران خراسان در دوره پهلوی» چاپ کرده است. نگارنده چند قسمت آن را دیده، اما چیزی در آن نیافته که به کار خود نقل کند. جز این کتاب‌هایی دیگر پدید آورده شده که موضوع مشابه به نوشته و تألیف حاضر دارد، و البته که به ولایت خراسان ربطی ندارد. از آن جمله آنچه به نظر این نگارنده رسیده یکی «والیان و استانداران فارس بین دو انقلاب» نوشته پروین دخت تدین است و بنیاد فارس‌شناسی آن را در سال ۱۳۸۶ در دو مجلد منتشر کرده است. کتاب خانم تدین مشتمل است بر

۱. رشته مقالات روزنامه دنیای اقتصاد در سال ۱۳۹۴ خورشیدی چاپ شده و در بایگانی آن روزنامه در دسترس است.

شرح احوال هر استاندار، و اما در آن، از کار و کارنامه استانداران چیزی نیاورده است.

در باره استانداران و والیان فارس مقاله‌ای هم به نظر نگارنده رسیده که حدود پانزده صفحه است و بخشی است از کتابی که عنوان «تاریخ فارس در عهد باستانی» دارد و کتاب فروشی محمدی شیراز آن را سال ۱۳۳۳ خورشیدی چاپ و منتشر کرده است. مقاله «ولات فارس از انقراض ساسانیان تا پیدایش صفاریان» در بخشی از آن کتاب جای داده شده است. مقاله به قلم سیدالهدی محلاتی، و فهرستی است از ۴۵ والی که از پایان ساسانیان تا آغاز صفاریان در فارس حکم رانده‌اند. مقاله با قید «ادامه دارد» به پایان آمده است. اما نگارنده دنبال این مقاله را نیافته است.

دیگر کتاب با این مضمون «والیان آذربایجان از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰» نوشته حبیب‌الله شیرازی است. انتشارات خجسته آن را سال ۱۳۸۷ خورشیدی چاپ و نشر کرده است. این کتاب گزارش‌هایی را از احوال شخصی حاکمان آذربایجان دارد و البته به کارنامه حکومه‌تی آنان نظر نکرده است.

دیگر «سلسله والیان لرستان» نوشته دکتر روح‌الله بهرامی، کتابی است در تاریخ ایلام و لرستان از دوره شاه عباس صفوی تا برآمدن رضا شاه پهلوی که انتشارات حروفیه و دانشگاه لرستان در سال ۱۳۸۰ خورشیدی منتشر کرده‌اند.

نیز از این دسته، «حکمرانان گیلان در عهد زندیه و قاجاریه» است که هومن یوسفدهی نوشته و نشر گیلکان رشت در سال ۱۳۸۰ خورشیدی منتشر کرده است. این کتاب چیزی از کارنامه حکومتی حکمرانان نیاورده است. گیلان شاید تنها استان باشد که کتابی دیگر هم در باره والیان آن نوشته شده است. عنوان آن «فرمانروایان گیلان»، نوشته ه. ل. رابینو، که م. ب. جکتاجی و دکتر رضا مدنی آن را فارسی کرده‌اند. کتابی است چون دیگر پژوهش‌های رابینو، پر مایه و پاکیزه، که حکومت‌ها و حاکمان هر محل را در گیلان در طول تاریخ بررسی کرده و در باره هر محل اطلاعاتی جغرافیایی آورده

است. نشر گیلکان این کتاب را هم سال ۱۳۶۴ منتشر کرده است. دیگر «فرماندهان کرمان» است، نوشته یحیی احمدی کرمانی، چاپ ۱۳۵۴ کتابفروشی دانش؛ که فرمانروایان کرمان را از آغاز قاجاریه تا واسط سلطنت مظفرالدین شاه با حسب حالی کوتاه از هر یک برشمرده است.^۱

در باره منابع و نحوه کار

برای تهیه کتاب حاضر برخی از منابع تاریخ قاجار، کتاب‌های شرح حال رجال^۲، مصم از نشریه‌ها و روزنامه‌ها و نیز پاره‌ای از منابع جدید مورد مطالعه قرار گرفت که در تراجم احوال رجال دو سلسله قاجار و پهلوی نوشته شده است. روزنامه‌ها و نشریه‌ها که خصوصاً برای بررسی و نقل اخبار و احوال رجال دوره پهلوی بیشتر به کار می‌آید به صورت کامل به دست نمی‌آید. هم بایگانی‌های چاپی و غیر الکترونیکی آنها نامرتب است و ممکن نشد که دوره کاملی از روزنامه یا مجله‌ای را دید و دست‌آورد و مرجع واحد تهیه و نقل خبرها گردد. به این علت در هر برهه رجوع به نقل خبرها فرق کرده است. نگارنده علاوه بر این‌ها از گفت‌وگو با بعضی از کسانی که شماری از استانداران خراسان را می‌شناخته‌اند، با آنان همکاری بوده یا دسترسی داشته‌اند، غفلت نکرده است. چکیده سخنان و آرای آن اشخاص را به صورتی مقتضی در یادداشت‌های خود گنجانده است تا فقط به منابع مکتوب به پید نمانده باشد. از طرفی ای بسا کتاب و منبعی در اخبار فرمانروایان که به دست و دید نگارنده نیامده باشد.

۱. این کتاب به دست دکتر ابراهیم باستانی پاریزی رسیده و ایشان حواشی و پانوشته‌ها را بر آن افزوده‌اند که مطابق معمول ایشان حجم آن بر حجم اصل کتاب چربیده و آن را چند برابر کرده است. البته آقای باستانی فهرستی از حاکمان کرمان را از صدر اسلام تا پایان پهلوی هم به همان کتاب افزوده‌اند.

۲. دوره کتاب «شرح حال رجال ایران» نوشته مهدی بامداد شاید بیش از هر کتابی دیگر، از میان منابع مخصوص به شرح احوال، در کتاب حاضر محل رجوع قرار گرفته است. نگارنده مخالفت‌ها با دوره شش مجلدی کتاب مهدی بامداد و نقدها و خرده‌هایی را که بر آن گرفته شده دیده و به علاوه خود نیز خرده‌هایی بر آن دارد که این جا جای بیان آن نباشد.

در این کتاب اثری از اسناد رسمی نیست زیرا بایگانی‌های رسمی که باید برای تهیه این قبیل کتاب‌ها کمک‌گار باشند کمترین کمکی نمی‌کنند. شاید به دلایلی حق هم دارند. نگارنده سپاس‌گزار همه آنانی هست که تماس‌های مکررش را حتی قابل پاسخی منفی نشانختند. این توضیح لازم بود که مبادا خواننده‌ای گمان کوتاهی و سستی بر این نگارنده بُرد؛ که هر چند کارش کم‌عیب نیست، تا توانسته از اهمال دوری کرده است.

و چند نکته دیگر:

۱. ثبت تاریخ روز و ماه و سال در دو سده اخیر موجب مبلغی سردرگمی است. نگارنده تاریخ‌های دوره قاجار را به هر دو تقویم قمری و خورشیدی ثبت کرده تا رخ داده‌ها و گزارش‌ها بهتر دریافته شود. با وصف این، ای بسا تاریخی که از سه سال پیش ثبت شده باشد، که مطابقت ماه‌های قمری و خورشیدی ممکن است برای پس یا پیش کند.

۲. تاریخ‌نگاران و ترجمه‌نویسان معاصر کمتر شده که از احوال و مشخصات ظاهری اشخاص چیزی بنویسند. «*راحه‌الصدور و آیه‌السرور*» در تاریخ سلجوقیان، گزارش از هر سلطان سلجوقی را با وصف سیما و خصال او آغاز کرده و پس به شرح تاریخ‌ها و برداشته‌ها و شده‌ها است. نگارنده بنا بر اهمیتی که برای ظواهر و نیز خصال آدمیان قائل است هر جا وصفی از اشخاص مورد نظر دیده آن را به این کتاب نقل کرده تا او را، به زعم خود، بهتر بشناساند.

۳. در این کتاب، زبان نگارش در دوره قاجار با عربی بعد فرق دارد. نگارنده، از قصد، زبان کتاب را یکدست نکرده تا زبان دوره قبل همان زبانی باشد که گاه متکلف و مصنوع می‌شود، تا بیانی از آن روزگار باشد. زبان دوره بعد که ساده و گاه سبک می‌نماید هم بر همان صورت و بی اصلاح و پالایشی به کتاب نقل شده تا باز هم آینده‌ای از تاریخ خود باشد.

۴. برای هر استاندار یا والی گزارشی از زندگی و احوال شخص او آورده شده اما این کار برای کسانی که نایب حکومت یا کفیل یا سرپرست بوده‌اند،

نشده است.

۵. فهرست منابع و مآخذ پایان کتاب دو بخش دارد. بخش دوم شامل است بر کتاب‌هایی که مورد بهره‌برداری مکرر نبوده اما در متن کتاب به نحوی به آن اشاره یا استناد شده است.



تهیه این کتاب ثمره تک‌ودوهای افتان و خیزان این نگارنده است. این تک‌ودوها چون دیگر کارها، بی پشتیبانی یاران کاردان و دلسوز راست نمی‌آمد. پس را باید تا از جناب آقای عنایت‌الله مجیدی سپاس‌گزاری مخصوص کنم که با مهر و گشاده‌دلی ویژه دانشی‌مردان قدیم، دستم را در بهره‌برداری از کتاب‌خانه بزرگ تحت اداره خویش باز گذاشتند. از جناب آقای عنایت‌الله رحمانی هم قدردانی مخصوص می‌کنم که کمک‌های بسیار برای تهیه منابع الکترونیک کردند. از دوست گرانقدرم جناب آقای محمد رضا یوسفی هم به دل سپاس می‌رسانم که هم امکان و هم تمکن کارم در این برهه مرهون مهر و آقایی اوست نیز ساس و قدردانی ویژه از همسرم، فاطمه فرهادی، نکنم این دیباچه ناقص خواهد ماند.

حمود فاضلی بیرجندی

خرداد ۱۳۹۸

کودمان، سایه، شمیران.